

# Shiraz-Beethoven.ir

۵- آیا موسیقی متن فیلم، موسیقی کلاسیک محسوب

می‌شود؟

آدمهای دماغ سر بالا می‌گویند نه. ولی ما با اطمینان و بلند می‌گوییم «بله». نوشتن موسیقی متن فیلم، همان ارزش نوشتن یک سمعنونی را دارد. در واقع ما فکر می‌کنیم اگر برخی از آهنگ‌سازان بزرگ تاریخ امروز زنده بودند، اسمشان را پای پسیاری از قراردادهای ساخت موسیقی فیلم می‌دیدیم. اختلاف بزرگی بر سر این موضوع وجود دارد که آهنگ‌سازانی مثل جان ویلیامز به موسیقی کلاسیک در قرن بیست و بیست و یکم خدمت کرده‌اند یا تاجرها یکی که نام خود را آهنگ‌ساز می‌گذارند و صدای اره<sup>۱</sup> را موسیقی می‌دانند.

۶- چرا هیچکس ویولا را جدی نمی‌گیرد؟

خب، شاید در جمع نوازندگان این طور باشد. دامنه‌ی صدای ویولا، نه برای صدای اکتاو بالا که خط اول را می‌نوازد تنظیم شده است و نه برای صدای پایین، جایی که صدای بم به گوش می‌رسد، بلکه برای نواختن صدای میانی تنظیم شده است. از همین رو، این ساز گاهی ملال آور به نظر می‌رسد.

## ۳۰- صدایها در آواز به چه ترتیب تقسیم می‌شود؟

از بالا به پایین چنین است؛ اول صدای خانم‌ها: سوپرانوها، متزو سوپرانوها و آلتوها. در ادامه هم به این ترتیب: کنتری‌تور (شکل مردانه‌ی آلت)، تیور، باریتون، باس-باریتون، باس. زیرتر از صدای خانم‌ها صدای تریبل است که معمولاً به صدای پسر بچه‌ها و گاهی به صدای دختری‌چه‌ها گفته می‌شود.

## ۱۹- آخرین کاستراتو<sup>۱</sup> مربوط به چه زمانی است؟

اوج علاقه‌ی دنیا به کاستراتوها به میانه‌ی سده‌ی ۱۷۰۰، مربوط به زمانی است که فارینلی (نام واقعی او کارلو بروشی<sup>۲</sup> بود) مشهورترین خواننده‌ی کاستراتو، آواز می‌خواند. مردی که افتخار دوپهلوی «آخرین مرد کاستراتو» را یدک می‌کشید، آلساندرو مورشی<sup>۳</sup> نام داشت که در ۱۹۲۰ درگذشت. با اینکه پاپ در ۱۹۰۳ کاستراتوها را از حضور در کلیسا منع کرده بود، اما مورشی همچنان تا ۱۹۱۴ به کار خوانندگی ادامه داد. او مجموعه‌ای بی‌نظیر از آوازهایش را روی صفحه‌ی گرامافون ضبط کرد.

۱- Castrato، خواننده‌ی سوپرانوی پسر یا مردی که پیش از بلوغ اخته می‌کردند تا صدایش کلفت نشود.

2- Carlo Broschi

3- Alessandro Moreschi

# Shiraz-Beethoven.ir

۴۹- بزرگ‌ترین شوخی در موسیقی کلاسیک چیست؟

نامزدهای زیادی وجود دارد، اما محبوب‌ترین آنها برای ما مربوط به آهنگ‌ساز مدرن لهستانی، پیوتر زاک<sup>۱</sup> است. پس از اینکه موسیقی سیال برای نوار و پرکاشن<sup>۲</sup> او از رسانه‌ها پخش شد، توسط دو منتقد برجسته در دهه‌ی شصت میلادی بسیار ستوده شد. اما وقتی این دو منتقد شنیدند که این آقای زاک اصلاً وجود خارجی ندارد و موسیقی‌اش هم صرفاً سر و صدایی بی‌نظم و ترتیب روی پرکاشن است، کمتر از این موسیقی استقبال کردند.

۴۱- چرا اعضای ارکستر لباس شب سیاه و کت و شلوارهای

کسل‌کننده می‌پوشند؟

برای درک ذات پوشش ارکستر، باید به طبیعت ارکستر نگاه کنید. ارکسترها بسیار گران قیمت هستند. وقتی آنها شروع به رشد کردند، در واقع تنها کسانی که از عهده‌ی مخارج آنها بر می‌آمدند، پادشاهان، ملکه‌ها، دوک‌ها و از این قبیل بودند. اگر برای یک پادشاه می‌نوازید، باید لباسی در خور وی بپوشید. سنت کنه‌ی آن دوران همچنان پا بر جا مانده است. این روزها ارکسترها بیشتر و بیشتر غیررسمی می‌شوند.

# Shiraz-Beethoven.ir

۹۶- عجیب‌ترین نام در بین موسیقی‌های کلاسیک چیست؟

برای ما هیچ شکی وجود ندارد که چه کسی عجیب‌ترین عنوان‌ها را برای آثارش انتخاب کرده است. اریک ساتی<sup>۱</sup> برای اثر گیمنوپیدی‌ها<sup>۲</sup> یش بسیار مشهور است، اما او آثاری هم نگاشته است که عنوان‌های عجیبی دارند مثل پرلودهای به تحقیق شُل و ول (برای سگ)<sup>۳</sup>؛ نقوش و خروش یک سینه‌ی چوبی<sup>۴</sup>؛ پنج نیشخند<sup>۵</sup>؛ سبیل مونا لیزا<sup>۶</sup>؛ والس بادام‌های شکلاتی و چیزهایی که بدون عینک از چپ و راست به چشم می‌خورند<sup>۷</sup>. واقعاً نبوغ‌آمیز و دیوانه‌وار است.

1- Eric Satie

2- Gymnopedies، نام مجموعه حرکات موزونی در اسپارت باستان که در آن جوانان مهارت‌های ورزشی و رزمی خود را به نمایش می‌گذاشتند.

3- (Veritable Flabby Preludes (for a dog

4- Sketches and Exasperations of a Big Boob made of Wood

5- Five Grins

6- Mona Lisa's Moustache

7- Waltz of the Chocolate Almonds and things Seen from the Right and Left without Spectacles

۹۵- چرا سمفونی شماره ۶ چایکوفسکی به نام سمفونی شفقت مشهور شده است؟

معنی واژه‌ی «Pathetic» در واژه‌نامه «عامل یا برانگیزاننده‌ی احساس همدردی شدید، دلسوزی و یا اندوه» است. اگر این نکته را در نظر بگیریم که چایکوفسکی تنها نه روز پس از اولین اجرای این سمفونی در گذشت، این عنوان واقعاً برازنده به نظر می‌رسد. اما خود چایکوفسکی از این عنوان خوشش نمی‌آمد و به ناشرش التصال می‌کرد که این عنوان فرعی که تصادفاً به زبان روسی، به معنی «سودایی» و «مهیج» ترجمه می‌شود را از روی اثر بردارد. به هر حال این عنوان یک قرن تمام با نام چایکوفسکی گره خورد و پس از مرگ هم او را رها نکرد.